



بازی آخر گابو

رمان جنجالی در ماه اوت همدیگر را می‌بینیم

گابریل گارسیا مارکز که بین مردم کشورهای آمریکای لاتین با نام «گابو» مشهور بود، ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ از دنیا رفت. مونیکا آلونسو، منشی مارکز یادداشت‌های رمانی از او را در اختیار داشت که در پنج نسخه تنظیم شده بود. مارکز روی نسخه پنجم، به خط خودش، نوشته بود «اوکی / بزرگ نهایی»؛ با این حال، در حاشیه کاغذ یادداشت‌هایی هم با دست نوشته بود. او هرگز حاضر نشد این کتاب را منتشر کند، زیرا بیماری فراموشی چنان ذهن و روانش را خسته کرده بود که شاید جرأت نمی‌کرد کتابی را منتشر کند که جزئیات آن را درست به خاطر نمی‌آورد. حتی به فرزندانش گفته بود که «این کتاب به درد نمی‌خورد. باید نابودش کرد» زیرا به قول خودش «حافظه، هم مایه و هم ابزار اصلی من است. بی‌آن، هیچ‌اند هیچ است». سال‌ها بعد، فرزندانش کتاب فراموش شده او را دوباره خواندند و دریافتند کتاب کاملی است به سبک ناب پدرشان؛ بنابراین تصمیم گرفتند با کریستوبال پرا، ویراستار مارکز، تماس بگیرند و از او بخواهند ویراستی نهایی از آن تهیه کند. کریستوبال پرا خود را برابر کتابی آماده می‌بیند که درد فراموشی مانع از آن شده تا نویسنده‌اش آن را چاپ کند. در نهایت با موافقت فرزندانش مارکز، کتاب «در ماه اوت همدیگر را می‌بینیم» فوریه سال ۲۰۲۴ (بهمن ۱۴۰۲) منتشر شد. انتشار این رمان با نقدهای متفاوتی روبه‌رو شد و پرسش‌هایی اساسی در مورد زندگی با سالخوردگی و ذهنی بیمار را مطرح کرد. «در ماه اوت همدیگر را می‌بینیم» حکایت سفر هر ساله آنا مگدالینا بچ، زنی ۴۶ ساله به جزیره‌ای بر سر قبر مادرش است. او نمی‌داند مادرش چرا این جزیره را برای منزل جاودانی‌اش برگزیده اما حس می‌کند رازی در کار است؛ رازی که گشوده شدنش به طرز شگرف رخ می‌دهد. این تنها رمان مارکز است که محوریت آن با یک زن است. نشر لگا چندماه بعد از انتشار، ترجمه این رمان را از روی نسخه اصلی به زبان اسپانیایی در دستور کار خود قرار داد و مجدالدین ارسنجانی آن را به فارسی برگرداند. در پایان کتاب، چهار صفحه از رمان اصلی به همراه یادداشت‌های حاشیه‌ای گارسیا مارکز آمده که برای سرک کشیدن علاقه‌مندان این نویسنده کلمبیایی به جهان ذهنی و روش نویسندگی او جالب است.



در ماه اوت همدیگر را می‌بینیم

- نویسنده: گابریل گارسیا مارکز
- ترجمه: مجدالدین ارسنجانی
- انتشارات: لگا
- تعداد صفحه: ۱۱۰ صفحه
- قیمت: ۱۷۵ هزار تومان

پایان یک قلم با تقدیم سکوت

درباره رمان آخر ماریو بارگاس یوسا

طه حسین فراهانی | روزنامه نگار

اصلی رمان، مردی است که تمام زندگی‌اش را وقف آرزوی وحدت پرو از طریق موسیقی می‌کند؛ آرزویی که در جهان پراشوب و چندپاره امروزی، همچون رویایی شاعرانه و در عین حال دور از دسترس جلوه می‌کند. این رمان تا حدی از زندگی و هنر سسلیا بارراسا، خواننده محبوب موسیقی کریویو، الهام گرفته است؛ زنی که صدایش، به گفته بسیاری، جان تازه‌ای به موسیقی سنتی پرو بخشیده است. به گزارش Infobae، صدای او یکی از منابع الهام اصلی برای نگارش این اثر بوده است و بارگاس یوسا در سال‌های پایانی عمر خود، با شور و شوق خاصی از او یاد می‌کرد.

«سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم» نه تنها روایتی از عشق و موسیقی، بلکه بیانیه‌ای شخصی و فرهنگی است؛ وداعی با ادبیات، با صداهای ملت، و با رویای وحدتی که بارگاس یوسا همواره در پی آن بود. بارگاس یوسا در این اثر از روایت چندلایه بهره می‌برد، جایی که صدای راوی با نغمه‌های موسیقی و تاریخ شفاهی درهم می‌آمیزد. او از فلش‌بک‌ها و تغییرات زمانی بهره می‌گیرد تا به شکلی موزون، سیر تحول شخصیت تئو آسپیلکوئتا را بازنمایی کند. زبان روایت در عین دقت و جزئی‌نگری، به گونه‌ای موزون و موسیقایی است که با موضوع کتاب هماهنگ شده و خواننده را به تجربه‌ای حسی و زیباشناختی دعوت می‌کند. بارگاس یوسا با تمرکز بر موسیقی سنتی و آفرو-پرویی، توجه خواننده را به میراث فرهنگی سرکوب‌شده و نادیده‌گرفته‌شده قشرهایی جلب می‌کند که در تاریخ رسمی کمتر دیده شده‌اند. در جهانی که همواره سیاست در مرکز گفت‌وگوها بوده، او این بار موسیقی را به عنوان زبان وحدت و تسکین معرفی می‌کند؛ زبانی که مرزهای قومی، اجتماعی و سیاسی را درمی‌نورد. از این نظر، رمان نه تنها یک اثر ادبی، بلکه یک بیانیه فرهنگی و اجتماعی نیز هست. صدایی برای کسانی که معمولاً شنیده نمی‌شوند؛ همان گونه که موسیقی کریویو قرن‌ها زبان بی‌صدای مردم حاشیه‌نشین بوده است.

«سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم» را می‌توان نه فقط نقطه پایان یک مسیر ادبی، بلکه نقطه اوج آن دانست؛ اثری که با نگاهی لطیف، از خشونت سیاست به نرمی فرهنگ پناه می‌برد و صداهایی را در دل سکوت به گوش می‌رساند. وداعی درخشان از نویسنده‌ای که تا پایان، دغدغه آزادی، انسان و وطن را در دل داشت.

در ۲۳ فوریه ۲۰۲۴، ماریو بارگاس یوسا با انتشار کتاب «سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم» به طور رسمی اعلام کرد که این اثر آخرین رمان او خواهد بود و با انتشار آن از دنیای ادبیات داستانی خداحافظی می‌کند. این تصمیم، دو سال پیش از درگذشت نویسنده، پایانی باشکوه و آگاهانه بر یکی از مهم‌ترین کارنامه‌های ادبیات معاصر اسپانیایی زبان بود. رمان «سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم»، آخرین اثر داستانی ماریو بارگاس یوسا، بازتاب گسترده‌ای در محافل ادبی و فرهنگی آمریکای لاتین و جهان داشت و دو ترجمه از آن هم به زبان فارسی منتشر شده است. نشر لگا این کتاب را با ترجمه مجدالدین ارسنجانی منتشر کرده و نشر برج هم یک ماه پیش از درگذشت یوسا در ۲۴ فروردین امسال، آن را با ترجمه سعید متین منتشر کرد.

«سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم» داستان زندگی مردی به نام تئو آسپیلکوئتا را روایت می‌کند: سفری عاطفی و فرهنگی به قلب موسیقی سنتی پرو، بویژه موسیقی کریویو و آفرو-پرویی. بارگاس یوسا در این اثر با نگاهی عمیق و نوستالژیک، نقش موسیقی را در شکل‌گیری هویت فردی و ملی کاویده و به این پرسش اساسی پرداخته که چگونه هنرمی‌تواند پلی میان طبقات، قومیت‌ها و زبان‌های گوناگون یک ملت باشد. شخصیت



سکوت را به شما تقدیم می‌کنم

- نویسنده: ماریو بارگاس یوسا
- ترجمه: سعید متین
- انتشارات: برج
- تعداد صفحه: ۲۶۴ صفحه
- قیمت: ۲۶۵ هزار تومان